

# رسوایی قاتل با صدای شاتر



مریم فضالی خبرنگار

در ۹ ماه گذشته تصاویر متعددی از جنایات صهیونیستی منتشر شده که باعث بهت و حیرت جهانیان شده است. روز گذشته الجزیره، تصویر لورفته از دوربین نصب شده توسط سربازان اشغالگر روی یک سگ پلیس را منتشر کرد که نشان می‌داد سگ در حال حمله به یک زن مسن فلسطینی در خانه‌اش است. این حمله وحشیانه در جریان عملیاتی بوده که ارتش اشغالگر هفته‌ها پیش در اردوگاه جلیله می‌خواست انجام دهد. به دلیل پاکوتی توسط رسانه‌های صهیونیستی و همچنین موانع رسانه‌ای که این رژیم اشغالگر پیش روی خبرنگاران و عکاسان گذاشته، به طور طبیعی از این اقدام وحشیانه هیچ عکسی منتشر نشده است، به جز ویدئوی کوتاهی که روی سر سگ پلیس نصب شده و با انتشار در

رسانه الجزیره لورفته است. در فضای مجازی به کمک هوش مصنوعی و با برداشتی از این ویدئوی کوتاه، تصویری واضح از این اقدام وحشیانه ساخته شده است. کاربران شبکه‌های اجتماعی علاوه بر گذاشتن این عکس بازسازی شده خواستار انتشار گسترده این ویدئوی واقعی شدند تا حقیقت آنچه بر مردم غزه وارد می‌شود، بهتر نشان داده شود.

## محمدالدوره



در دومین روز از انتفاضه دوم فلسطین روی داد و صحنه کشته شدن محمد با گذشت ۲۰ سال همچنان در ذهن فلسطینی‌ها، اعراب‌ها و مسلمانان جهان زنده است. تصویر جمال الدوره و پسرش محمد توسط طلال ابورحبه، فیلمبردار یوتیوبیز فلسطینی که به صورت مستقل در شبکه فرانسه ۲ فعالیت می‌کرد، فیلمبرداری شد.

## محمدالدوره

۲۴ سال پیش خونی بر زمین ریخته شد و با ثبت تصویر آن لحظه همچنان خون این نوجوان شهید جاری است. «محمد الدوره» نامی است که با گذشت بیش از دو دهه، همچنان در ذهن ما مانده و یکی از نمادهای مقاومت برای فلسطینی‌ها شده است. پدر محمد درباره روز شهادت فرزندش گفت: «در آن روز من و پسرم قصد داشتیم به بازار خودرو در غزه برویم. من ساکن اردوگاه «البریح» هستم و خانه من چندان از غزه دور نیست». آنها هنگام بازگشت به خانه به دلیل بسته شدن خیابان‌ها مسیرشان را عوض کردند و بانبروهای رژیم صهیونیستی مواجه شدند. آنها گمان نمی‌کردند مورد هدف سربازان قرار بگیرند اما ناگهان سیل گلوله‌ها به سمت‌شان گرفته شد. جمال، پدر محمد نجار بود و مادرش «أمل» زنی خانه‌دار بود که برای تربیت فرزندانش در شرایط دشوار فلسطین با درد و رنج زیادی مواجه بود. شهادت دردناک محمد الدوره توسط نظامیان رژیم صهیونیستی در ۳۰ سپتامبر سال دو هزار میلادی

## کودک و دریا



بخشی در تحلیل این عکس نوشته‌اند این تصویر نشان دهنده شکست جامعه بین‌الملل در سوریه است و نوعی هشدار برای رهبران اروپا به شمار می‌آید. براساس گزارش‌های منتشرشده کودک غرق شده به همراه برادر و پدر و مادرش در این سفر پرخطر برای رسیدن به یک مکان امن تلاش می‌کردند. این کودک یکی از ۱۶ آوارهای است که در نزدیکی سواحل ترکیه غرق شده‌اند.

دوم سپتامبر ۲۰۱۵، تصویری از جنازه یک پسر بچه سه ساله مهاجر سوری به نام «ایلان» منتشر شد. این پسر بچه سه ساله ساحل توریستی پوروم ترکیه به خواب ابدی فرو رفته بود و دریا مانند پتوی روی او را پوشانده بود. این تصویر باعث شد بار دیگر وجدان‌های بیدار متوجه وقایع تلخی شوند که در خاورمیانه در حال رخ دادن بود. رسانه‌ها در قالب تیرها و عناوین گوناگون درباره مهاجرین سوری حرف زدند. تصویر ایلان در بیشتر روزنامه‌های جهان به عنوان عکس یک انتخاب شد و او را تبدیل به چهره‌ای جهانی کرد. بیشتر روزنامه‌های اروپایی تصویر این کودک سوری را با تیرهایی که نشان از عمق فاجعه انسانی جاری در سوریه است، انعکاس دادند. همچنین کاریکاتورهایی که از او کشیده شد یاد او را در ذهن تثبیت کرد. در این تصویر کودک سوری که یک لباس قرمز و شلوار آبی بر تن دارد با صورت روی شن‌های ساحل افتاده و نشان دهنده دردها و رنج‌های آوارگانی است که تلاش می‌کنند از طریق عبور از دریا و سواحل ترکیه به جزایر یونان برسند.

## بیمارستان المعدانی



خودش را موزه نشان دهد و بگوید که حماس، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین این کار را کرده است. اما ثبت همین قاب که مظلومیت تمام فلسطینی‌ها را نشان می‌داد باعث شد تا افکار عمومی علیه اسرائیل شکل بگیرد. البته الجزیره در پاسخ به این دروغ اسرائیل، مدارکی منتشر کرد که ثابت می‌کرد اسرائیل به بیمارستان حمله کرده است.

بعد از فاجعه‌ای که در بیمارستان المعدانی رخ داد وزارت بهداشت غزه در میان پیکر شهدای حملات توریستی اسرائیل به بیمارستان نشست خبری برگزار کرد. تصویر سخنگو، پزشکان و مردم در میان انبوهی از پیکران خونی و کودکان شهیدی که روی دست‌ها نگه داشته شده بودند، قایم متفاوت خلق کرد. قایم که غم، خشم و قدرت مردم مظلوم فلسطین را نشان می‌داد و نشان دهنده ظلم و ستمی بود که اسرائیل انجام داده است. اینکه وسط قاب دوربین و پشت تریبون حاضر شد و رو به همه دنیا گفت: «به سختی می‌توان اجساد قربانیان قتل عام المعدانی را شناسایی کرد. بیمارستان پناهگاهی امن برای ساکنان نوار غزه محسوب می‌شد. اشغالگران، مدیریت بیمارستان المعدانی را تهدید کرده بودند پیش از کشتار وحشیانه آن را تخلیه کنند». این نشست خبری با فاصله کمی از این اتفاق برگزار شد و قایم که ثبت شد در فضای مجازی چرخید. اسرائیل بعد از این اتفاق تلاش کرد تا



تصویری که به کمک هوش مصنوعی ساخته شده برداشتی آزاد از ویدئوی واقعی حمله سگ پلیس اسرائیل به یک زن مسن فلسطینی است

صهیونیست‌ها شود. تصاویر و عکس‌ها این قدرت را دارند که روی افکار عمومی تاثیر بگذارند.

## عکس‌ها چه می‌کنند؟

سوزان سانانگ، ناقد فرهنگی آمریکایی عکاسی را به عنوان یکی از اصلی‌ترین عواملی تحلیل می‌کند که جوامع مدرن را به «جهان تصویر» بدل ساخته‌اند، جهانی که در آن تصاویر و بازتاب‌های بر تجربه دست‌اول هر چیز اولویت یافته‌اند و اینکه عکس‌ها پیام‌های دامنه‌داری در نحوه نگاه ما به جهان و به خودمان دارند. قدرت عکس و عکاسی اگرچه نوظهور است و قدمتی به بلندای تاریخ ندارد اما از زمانی که معنایی فراگیری در عرصه نمایش یافته توانسته نقش مهمی در بازتاب‌های یاختی کم و پنهان کردن واقعیت‌های جوامع بشری داشته باشد. در گزارش پیش رو سراغ عکس‌هایی رفتیم که اگرچه یک لحظه از جنایت هولناک را ثبت کردند اما توانستند جهانی را معناراً مقابل چشم مخاطب قرار دهند.

## نسل‌کشی و آغوش یک زن



این جایزه شده است. او بیش از ۱۰ سال پیش نیز با تصویری دیگر از تلفات انسانی غزه موفق به دریافت این جایزه شده بود. هیات داوران بنیاد عکس‌های مطبوعاتی جهان درباره انتخاب این عکس می‌گویند: «این تصویر ترکیبی از توجه و تکریم است که نگاهی همزمان استعمازی و واقعی به فقدانی تصورناپذیر می‌اندازد.»

«زنی را دیدم که در سردخانه روی زمین چمباتمه زده بود، گریه می‌کرد و بدن کودک را محکم در آغوش گرفته بود». این روایتی است که عکاس این عکس از لحظاتی قبل از ثبت این اتفاق گفته است. عکس زنی سرمه‌ای پوش که پیکر کودک شهیدی را در آغوش گرفته بود در فضای مجازی دست به دست و برای این قاب دل‌نوشته‌های زیادی ثبت شد. «ایناس ابومعمار» زنی ۳۶ ساله است که پیکر بی‌جان خواهرزاده پنج‌ساله خود را در آغوش گرفته بود. این کودک تمام اقدامش را در پی اصابت موشک رژیم اسرائیلی به خانه‌شان از دست داده بود. این عکس نمادی از مقاومت و اندوه عمیق اتفاقات غزه است که دل هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد. پنجشنبه ۱۸ آوریل، محمد سالم، عکاس فلسطینی خبرنگاری رویترز با ثبت لحظاتی جدایی یک خاله از خواهرزاده‌اش جایزه بهترین عکس سال بنیاد عکس‌های مطبوعاتی جهان (World Press Photo) را از آن خود کرد. این عکاس برای دومین بار است که موفق به دریافت

## بازیگری که بازی نکرد



شده بود تا تغییر شکل پیدا کنند. اما دلیل دوم، مردی است که در این عکس حضور دارد. عمر خاور، بازیگری توانا در تئاتر، مردی اجتماعی و مورد احترام مردم بود و همین موضوع باعث شد افراد حاضر در عکس از گمنامی دربیایند. از زوری این عکس، تندیس یادبود حلبچه ساخته شده و در چند نقطه از شهر نصب شده است.

در ۲۵ اسفند سال ۱۳۶۶، با بمباران شیمیایی حلبچه یکی از هولناک‌ترین جنایات بشری رخ داد که منجر به شهادت پنج هزار زن، مرد و کودک بی‌گناه و معصوم شد. احمد ناطقی، عکاس پیشکسوت ایرانی و جزء اولین عکاسانی بود که در نخستین ساعات بمباران شیمیایی حلبچه وارد این منطقه شد و عکس‌های منحصربه‌فرد و تکان‌دهنده او از این فاجعه بشری، نقش بسیار مهمی در جهانی شدن این رویداد ضدانسانی داشت. او درباره لحظه عکاسی این عکس گفت: «مردی با لباس کردی درحالی که صورت خود را پوشانده، کودکی شیرخوار را در آغوش گرفته و معلوم بود لحظاتی پیش هر دو جان داده‌اند. صورت کودک آنقدر زیبا و معصوم بود که انگار در خوابی شیرین پس از خوردن شیر مادر به سر می‌برد». یکی از دلایلی که باعث شد این عکس شهرت جهانی پیدا کند، ثبت عکس پس از فاجعه‌ای است که رخ داده؛ چراکه دیگر عکاسان پس از روزها قربانیان عکاسی کردند که همین تأخیر باعث

## اسلحه برسرمردم مظلوم



سلاح جهان است. مردم به عکاسان اطمینان دارند اما حتی عکس‌های بدون دستکاری هم دروغ می‌گویند. عکس‌ها تنها نیمی از واقعیتند. چیزی که این عکس نمی‌گوید این است که اگر شما در آن لحظه، در آن مکان به جای ژنرال بودید، چه می‌کردید؟

جوان محکوم شده، یک ویتکنگ عضو جبهه ملی آزادبیش با نام نگونین ون لباس است. او که با دستان بسته منتظر مرگش ایستاده، لحظه‌ای عجیب را خلق کرده است. این عکس به عنوان دراماتیک‌ترین عکس جنگ ویتنام، نقش مهمی در تغییر جهت افکار عمومی مردم آمریکا در ادامه دیگری‌ها در ویتنام داشت. عکس ادی آدامز روز بعد در صفحه نخست نیویورک تایمز چاپ شد و بعد از آن در صفحه نخست روزنامه‌های سراسر جهان به چاپ رسید. این عکس در سال ۱۹۶۸ در مسابقه عکس مطبوعاتی جهان (World Press Photo) عکس برگزیده سال شد و سال بعد یعنی ۱۹۶۹ موفق به دریافت جایزه پولیتزر (Pulitzer) شد. ادی آدامز در گفت‌وگویی با مجله تایم درباره حواشی‌هایی که این عکس ایجاد کرده بود، گفت: «ژنرال، آن ویتکنگی را کشت، من هم ژنرال را با دوربینم کشتم. هنوز هم عکاسی قوی‌ترین

# نگذارید کمپین‌های تبلیغاتی نظرسنجی کنند



ماقbool جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

این روزها وقتی تجمع هواداران هر نامزد انتخابات را نگاه می‌کنید، با این جمله در کپشن عکس‌ها مواجه می‌شوید: «استقبال پرشور از...» و بعد عکس‌های دیگری بازو به متفاوت از همان تجمع از طرف رقیبان آن کاندید منتشر می‌شود تا بگویند خیلی هم اجتماع پرشوری نبوده است. انگار عکس‌ها را زوایای خاص گرفته می‌شود که در لحظه اول بیشترین تاثیر را داشته باشد. همین موضوع در چند روز گذشته سوره کاربران شبکه مجازی شد و با انتشار عکس یا متنی همزمان به این مدل اتفاق واکنش نشان دادند. در انتخاباتی که در پیش داریم به غیر از این موضوع، تعدد نظرسنجی‌هایی که هر روز از سمت گروه‌های مختلف یادید خودشان منتشر می‌شود، باعث شده تا دیگر نتوان خیلی به این نظرسنجی‌ها اعتماد کرد و آنها را مورد توجه قرار داد.

نظرسنجی عمومی، فنی است که کمی بیش از ۲۰ سال قدمت دارد و اولین بار در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باب شد. در دنیای حاضر، تقریباً همه معنای نظرسنجی یا افکارسنجی را می‌دانند و این موضوع خیلی نیاز به توضیح و

تعریف ندارد. اما بگذارید یک تعریف از افکارسنجی داشته باشیم. افکارسنجی اجرای اقدامات و تلاش‌های سازمان‌یافته برای نشان دادن عقاید مردم نسبت به یک موضوع در یک محل خاص و در یک مقطع زمانی معین است و نتیجه آن نشان می‌دهد افراد به چه دلیلی این عقیده خاص را پذیرفته‌اند و با چه شدت و قوتی از آن پشتیبانی می‌کنند. از تعریف نظرسنجی یا افکارسنجی که بگذریم، بحث دیگری که در این حوزه باید مطرح شود، اعتماد به نظرسنجی‌هاست. البته اطلاعات زیادی برای این موضوع و صحت این نظرسنجی‌ها وجود ندارد اما برای عموم مردم یک راه حل سنجش اعتبار نظرسنجی‌ها این است که گفته شود هر نظرسنجی را چه موسسه‌ای انجام داده و با توجه به اعتبار آن موسسه، نتایج نظرسنجی هم معتبر دانسته می‌شوند. اما در انتخابات امسال انگار همه چیز رنگ باخته است و باید اصلی‌ترین دلیل این رنگ باختن را در فضای اجتماعی و عمومی جامعه دنبال کرد که انگار اعتماد خودش را به نتایج افکارسنجی‌ها از دست داده و همین باعث می‌شود تا در کمپین‌های انتخاباتی با بزرگنمایی هر کاری که انجام می‌دهند به دنبال اثبات خودشان و اینکه مردم از آنها استقبال بزرگ داشته‌اند، باشند!

برای جواب دادن به این سوال که چرا افکارسنجی‌های معتبر می‌توانند این

اوضاع به هم ریخته انتخاباتی و نظرسنجی‌های بی اعتبار و بزرگنمایی‌ها را سامان بدهند؟ باید به سراغ اهمیت این کار و وظیفه حکومت و نظام برای اینکه اعتبار را به این نظرسنجی‌ها برگردانند، برویم. برخی از کارشناسان و کسانی که در حوزه جامعه‌شناسی فعالیت دارند، تاثیرگذاری نظرسنجی‌ها را در گرو استفاده درست افراد و گروه‌های تصمیم‌گیر می‌دانند و معتقدند در ایران نظرسنجی از معدود ابزارهایی است که می‌تواند نشان دهد جامعه ایران جامعه‌ای بسیار متکثر و پیچیده است. در نظرسنجی‌هایی که از افکار عمومی ایرانیان منتشر شده، هر کس می‌تواند جایگاه خودش، قشر و گروهی را که به آن تعلق دارد، ببیند. نظرسنجی‌ها می‌توانند به ما یادآوری کنند همه مثل ما دنیا را نمی‌بینند و ما به اتفاق آدم‌های اطراف مان همیشه معدل و نماینده جامعه نیستیم. همیشه دیگرانی متفاوت از ما وجود دارند که شکل دیگری فکر می‌کنند و حق دارند طور دیگری فکر کنند.

برخی می‌گویند، در اهمیت نظرسنجی و افکارسنجی، همین بس که بتواند فهم همین نکته را برای مردم آسان‌تر کند که دیگرانی وجود دارند که نظرشان ممکن است متفاوت از ما باشد، حالا چه در اقلیت باشند چه در اکثریت.

بیباید چند ویژگی افکارسنجی‌ها را با هم مرور کنیم. بالاترین میزان رضایتمندی کارکنان یک سازمان از طریق نیازسنجی و شناخت خواسته‌های آنها شکل